

بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور

رحمت‌الله شاکری اصل*

دکتر محمدرضا قاری**

چکیده

هدف اصلی دستگاه شعر هم‌نوایی میان عناصر شعری است و موسیقی شعر یکی از راه‌های ایجاد این هم‌گونی است. موسیقی شعر یکی از عوامل زیباآفرین شعر است و در اصل مجموعه عواملی است که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشد که مهم‌ترین این عوامل موسیقی‌آفرین، موسیقی بیرونی است، پژوهش حاضر به «بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور با موسیقی بیرونی در اشعار نادر نادرپور» پرداخته است. در زمینه مقایسه موسیقی بیرونی در اشعار این دو شاعر کاری انجام نگرفته است؛ بدین منظور نگارندگان تمامی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور را تقطیع نموده، بحور و اوزان اشعار را مشخص و پربسامدترین و کم‌بسامدترین آن‌ها را تعیین کرده‌اند و عنصر موسیقی‌آفرینی بیرونی آمارسنجی شده و جدول‌هایی در این زمینه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، شعر نادرپور، شعر امین‌پور، شعر، عنصر موسیقی‌آفرین، اوزان

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. (نویسنده مسؤل)

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، گروه زبان و ادبیات فارسی، اراک، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۷

مقدمه

یک اثر ادبی برای این‌که تأثیر درونی خود را بر ذهن مخاطب بگذارد، موسیقی را به عنوان اساسی‌ترین عامل به خدمت می‌گیرد. این عنصر (موسیقی) بی‌واسطه‌ترین و موثرترین هنر برای تأثیربخشی در ذهن و جان مخاطب خود است که اگر به نحو احسن و نیکو به کار برده شوند چه بسا تأثیری عمیق و زیبا و ماندگار بر اذهان مخاطبان خاص خود به جا بگذارند. «هرچه یک اثر ادبی بتواند ابعاد بیشتری از موسیقی را به کام خویش کشد زیباتر، قوی‌تر و مؤثرتر می‌گردد.» (محبّتی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) «آهنگ یا موسیقی: شامل هر نوع وزن یا آهنگی است که در شعر به کار می‌رود. خواه وزن عروضی باشد و خواه آهنگی که از طریق تناسب حروف صامت و مصوت کلمات به وجود می‌آید و آن را موسیقی داخلی می‌نامند. اغلب صنایع لفظی بدیع به منظور ایجاد چنین آهنگی به کار می‌رود. گاه نیز موسیقی موجود در شعر به وسیله تناسب‌های معنوی بین کلمات بدست می‌آید. صنایع معنوی بدیع در به وجود آمدن این نوع موسیقی در شعر تأثیر فراوانی دارند. قافیه و ردیف نیز از جمله وسایل ایجاد موسیقی در شعر هستند. بخش عمده‌ای از تأثیر شعر، به عهده وزن و آهنگ است و همه انواع شعر، حتی شعر آزاد در همه زبان‌ها، با نوعی وزن همراهند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۵).

دکتر شفیعی معتقد است تجلی موسیقی بیرونی در سراسر بیت یا مصراع یکسان است و در همه جا به یک اندازه حاضر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۹۱)

در این پژوهش به بررسی موسیقی بیرونی در اشعار این دو شاعر معاصر پرداخته شده است. منظور از موسیقی بیرونی شعر، جنبه عروضی وزن شعر است که بر تمام اشعاری که در یک وزن سروده شده‌اند قابل تطبیق است. مثلاً اشعاری که در بحر مضارع سروده شده‌اند به لحاظ موسیقی بیرونی یکسان‌اند یعنی می‌توان آن‌ها را بر نظام آوایی: (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) تطبیق داد و در این قلمرو امتیاز شاعری بر شاعر دیگر از جهت تنوع اوزان یا هماهنگی وزن‌ها با تجربه‌های روحی و دیگر جوانب موسیقایی شعرش است.

متن اصلی

نادرپور در مجموع اشعارش از ۹ بحر و قیصر از ۱۳ بحر بهره برده‌اند؛ بحرهای رجز، رمل، متدارک، متقارب، مجتث، مضارع، مقتضب، منسرح و هزج از جمله بحرهای مشترک میان هر دو شاعر است و بحرهای بسیط، خفیف، سریع، مدید از جمله بحرهایی است که قیصر امین‌پور به کار گرفته و در مجموعه اشعار نادرپور یافت نشده است.

جدول درصد بحرها در مجموعه اشعار نادرپور

بحرها	رجز	رمل	متدارک	مقارب	مجتث	مضارع	مقتضب	منسرح	هزج
درصد	۷/۴۷	۱۰/۹۰	۰/۶۲	۴/۳۶	۱۳/۰۸	۴۹/۵۳	۰/۳۱	۳/۷۳	۹/۰۳

و قیصر در مجموع از ۱۳ بحر در اشعار خود استفاده کرده است که برای اختصار هر کدام از بحرها با اعدادی مشخص شده که به ترتیب زیر است: بسیط (۱)، خفیف (۲)، رجز (۳)، رمل (۴)، سریع (۵)، متدارک (۶)، متقارب (۷)، مجتث (۸)، مدید (۹)، مقتضب (۱۰)، مضارع (۱۱)، منسرح (۱۲) و هزج (۱۳).

جدول بسامد بحرها در مجموعه اشعار امین‌پور

بحر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
درصد	۰/۷۳	۱/۱۰	۱۳/۲۸	۲۱/۴۰	۱/۱۰	۰/۷۳	۹/۵۹	۵/۵۳	۰/۳۶	۰/۷۳	۱۸/۸۱	۰/۷۳	۲۵/۸۳

مطابق جدول‌های صفحه قبل در اشعار نادرپور بحر مضارع با ۱۵۹ شعر معادل ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد بحرها و بحر مقتضب با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد و در کل اشعار قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر هزج (۱۳) با ۲۵/۸۳ درصد و بحر مدید (۹) با ۳۶/۳۶ درصد کمترین بسامد را در برمی‌گیرد.

بحرهای اشعار نیمایی قیصر در چهار دفتر «دستور زبان عشق، گل‌ها همه آفتابگردانند، آیینه‌های ناگهان و تنفس صبح»:

۷۲ بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور

نام بحر	دستور زبان عشق	گل‌ها همه آفتابگرداند	آینه‌های ناگهان	تنفس صبح
بسیط	۱ شعر
رجز	۶ شعر	۱۵ شعر	۶ شعر	۲ شعر ۲۹
رمل	۶ شعر	۱۰ شعر	۱۲ شعر	۳ شعر ۳۱
مقارب	۶ شعر	۸ شعر	۱ شعر
مجتث	۱ شعر
مضارع	۶ شعر	۸ شعر	۱۵ شعر	۴ شعر ۳۳
مقتضب	۱ شعر
منسرح	۱ شعر
مجموع	۲۴	۴۳	۳۵	۱۰

مطابق جدول بالا بحر مضارع با ۳۳ شعر بیشترین بسامد بحرها را در اشعار نیمایی قیصر و بحرهای بسیط، مجتث، مقتضب و منسرح هر کدام با یک شعر کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول بسامد و درصد بحرها در غزل‌های قیصر:

بحرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
غزلها	۱	۳	۶	۲۶	۳	۲	۱۰	۱۴	۱	۱	۲۲	۱	۱۴
درصد	۰/۹۶	۲/۸۸	۵/۷۶	۲۵	۲/۸۸	۱/۹۲	۹/۶۱	۱۳/۴۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۲۱/۱۵	۰/۹۶	۱۳/۴۶

مطابق جدول بالا در غزلیات قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر رمل (۴) با ۲۵ درصد و کمترین بسامد شامل بحرهای بسیط (۱)، مدید (۹)، مقتضب (۱۰) و منسرح (۱۲) با ۰/۹۶ درصد است.

بحر رجز

بحر رجز از تکرار سه یا چهار بار مستفعلن حاصل می‌شود و به ندرت در این وزن مسدس سالم دیده می‌شود. در شعر نادرپور مضمون‌هایی مانند غم، اندوه، ناامیدی و... بیشتر در بحر رجز به چشم می‌خورد. از میان ۹ بحری که نادرپور به کار گرفته ۷/۴۷ درصدش

بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور ❏ ۷۳

مربوط به بحر رجز است و قیصر نیز از میان ۱۳ بحر به کارگرفته ۱۳/۲۸ درصد را به این بحر اختصاص داده است.

ای دختر شیرین من، آسوده خفتی
دیشب که بیخوابی نصیب مادرت بود
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
(مجموعه اشعار نادرپور/۳۲۴)

کهن دیارا، دیار یارا! دل از تو کندم، ولی ندانم
که گر گریزم، کجا گریزم، وگر بمانم، کجا بمانم
مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن
مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن
(همان/۷۲۱)

این که نقاب مرا نهاده به صورت
کیست؟ که نتوان شناخت سیرت او را
مفتعلن مفتعلن مفتعلن
مفتعلن مفتعلن مفتعلن
(همان /۸۷۰)

مستفعلات
مستفعلن مستفعلن فع
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع
- می‌پرسم از تو:
از بین اعضای که داری
آیا کدامین عضو را بر می‌گزینی
آیا کدامین را به خدمت می‌گماری؟

ای آرزوی اولین گام رسیدن
بر جاده های بی سرانجام رسیدن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلاتن مستفعلاتن مستفعلاتن
(دستور زبان عشق: ۱۳۹۰، ۷۵)

عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم
تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلاتن مستفعلاتن مستفعلاتن
(تنفس صبح: ۱۳۸۹، ۴۱)

با گریه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند:	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مادر، کنار چرخ خیاطی	مستفعلن مستفعلن فع لن
آرام رفته در نخ و سوزن	مستفعلن فع لن
عطر بخار چای تازه	مستفعلن مستفعلن فع
در خانه می‌پیچد	مستفعلن فع لن
صدای در!	مفاعلن
«شاید پدر»	مستفعلن

(مجموعه اشعار امین پور: ۱۳۹۰، ۱۵)

بحر رمل

بحر رمل از تکرار رکن فاعلاتن و یا زحافات آن به دست می‌آید. بحر رمل بحری است که از تکرار جزء فاعلاتن حاصل می‌شود. قیصر از این بحر همراه با زحافاتش استفاده فراوانی برده. اوزان این بحر بیشتر موسیقایی هستند و شعرا از آن برای سرودن شعر در قالب‌های مختلف، استفاده می‌کنند. این بحر در اشعار نادرپور ۱۰/۹۰ درصد و در اشعار قیصر ۲۱/۴۰ درصد در به خود اختصاص داده‌اند. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر در این بحر به شرح زیر است:

چشمه در تاریکی شب، برق می‌زد	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
باد رقصان با سرود اهرمن‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
(مجموعه اشعار نادرپور: ۹۷)			
در دل ظلمت شب، دیوی است	فعلاتن	فعلاتن	فع
که به من بسته نگاهش را	فعلاتن	فعلاتن	فع
(همان: ۲۵۹)			

– آه، می‌دائم فاعلاتن فع

بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور ❏ ۷۵

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	زیر این برف پریشان غم‌آلود کهنسالی
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	زیر این توده خاکستر سنگین فراموشی
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	اخگری چند بجا مانده ز دوران سبکبالی
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	اخگری چند بجا مانده از آن شب‌ها

(همان: ۵۰۶)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	ناگهان دیدم سرم آتش گرفت
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	سوختم خاکستم آتش گرفت

(آینه‌های ناگهان: ۸۱)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	سایه سنگ بر آینه خورشید چرا؟
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	خودمانیم بگو این همه تردید چرا؟

(دستور زبان عشق: ۷۹)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	رفت تا دامنش از گرد زمین پاک کند
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	آسمانی‌تر از آن بود که در خاک بماند

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۸۷)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	کشت تقدیر تو ما را به که باید گفت؟
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	مردم از درد خدایا به که باید گفت؟

(همان: ۱۳۳)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	بغض‌های کال من چرا چنین؟
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	گریه‌های لال من چرا چنین؟

(همان: ۹۸)

فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

(تنفس صبح: ۷۵)

حرف‌های ما هنوز ناتمام	فاعلات فاعلات فاعلن
تا نگاه می‌کنی	فاعلات فاعلن
وقت رفتن است	فاعلات فع
باز هم همان حکایت همیشگی!	فاعلات فاعلات فاعلات فع
پیش از آن که با خبر شوی	فاعلات فاعلات فع
لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود	فاعلات فاعلات فاعلات فاعلن
آی....	فع
ای دریغ و حسرت همیشگی!	فاعلات فاعلات فاعلن
ناگهان	فاعلن
چقدر زود	مفاعلن
دیر می‌شود!	فاعلات فع

(آینه‌های ناگهان: ۶۴)

بحر متدارک

بحر متدارک از تکرار چهار بار «فاعلن» حاصل می‌شود. زحاف آن نیز دیده می‌شود؛ که در اشعار کلاسیک نادرپور فقط زحاف «احد» دیده می‌شود، آن هم در ۲ شعر معادل ۱/۷۸ درصد را در بر می‌گیرد. نمونه‌هایی از این بحر به شرح زیر است:

توده‌های	سیاه	درختان	فاعلاتن	فعالتن	فعالتن	فع
ساکن اندر	خموشی	چو کوهند	فاعلن	فاعلن	فاعلن	فع

(مجموعه اشعار نادرپور: ۶۸)

شب، در	آفاق	تاریک	مغرب	فاعلن	فاعلن	فاعلن	فع
خیمه‌اش	را	شتابان	برافراشت	فاعلن	فاعلن	فاعلن	فع

(همان: ۱۴۸)

بحر متقارب:

این بحر در اشعار نادرپور ۴/۳۶ درصد و در اشعار قیصر ۹/۵۹ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

بجز پهنه‌هایی پر از دود و آتش	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
بجز سیل کشتار و بیماری و خون	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
(همان: ۱۳۷)				
جهانا! فسون توام بی‌اثر شد	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نگیرد مرا جذبه مهر و ماهت	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
(همان: ۱۹۰)				
تو آن درّه سبز بی‌آفتابی	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
که مه بر سر افشاندت نوبهاران	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
(همان: ۲۹۹)				
چراغ شب تار من بودی ای زن!	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
دریغا که دیگر چراغی ندارم	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
(همان: ۳۷۶)				
تو از دیده رفتی و، از دل نرفتی	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
وفای تو نازم، خداوندگارا!	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
(همان: ۶۸۷)				
شگفتا! نخستین شب فرودین	فعولن	فعولن	فعولن	فعول
بزد از پسین روز اسفندماه	فعولن	فعولن	فعولن	فعول
(همان: ۶۶۴)				
به خود گفتم ای مرد گم کرده خاک!	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
چرا از جهان روی گردانده‌ای؟	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

(همان: ۸۰۹)

من	اما	بسی	ناشکیباتر	از	او
همان	شب،	از	آن	مجلس	خسروانه
به	دنبال	ابلیس	رفتم	که	شاید
ز	مازندران	باز	یابم	نشانه	
ولی	گم	شدم	در	سیاهی	
که	شب:	تیره‌گون	بود	و	ره: بیکرانه

(همان: ۸۸۷)

من	از	عهد	آدم	تو	را	دوست	دارم
از	آغاز	عالم	تو	را	دوست	دارم	

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۷۹)

سرایا	اگر	زرد	و	پژمرده‌ایم
ولی	دل	به	پاییز	نسپرد‌ایم

(آینه‌های ناگهان: ۱۰۰)

سه	شنبه
چرا	تلخ و بی‌حوصله
سه	شنبه
چرا	این همه فاصله؟
سه	شنبه
چه	سنگین! چه سرسخت؛ فرسخ به فرسخ!
سه	شنبه
خدا	کوه را آفرید

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۷۴)

بحر مجتث

بحر مجتث به معنی از اصل بریده شده و اصل این بحر از مستفعلن فاعلاتن تشکیل شده است. این بحر در اشعار نادرپور ۱۳/۰۸ درصد و در اشعار قیصر ۵/۵۳ درصد را به خود اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر توجه کنید:

دلی که قدر عزیزان آشنا دانست	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن
چگونه صحبت بیگانگان روا دانست	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن

(مجموعه اشعار نادرپور: ۲۶۴)

شب است و هیچ‌کس راه صبح ننماید	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن
خدای را ز که گیرم چنین سراغی را؟	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن

(همان: ۳۲۹)

عقاب پیر نگون بخت آفتابم من	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن
که شعله‌های شفق سوخت شاهبالم را	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن

(همان: ۳۴۲)

تو آن پرنده رنگین آسمان بودی	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن
که از دیار غریب آمدی به لانه من	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَع	لن

(همان: ۳۵۹)

ز بیم مردن دل‌گریه می‌کنم شب و روز	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعْلن	(فَع لن)
مگو چرا، که ز مرگ تنم هراسی نیست	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعْلن	(فَع لن)

(همان: ۲۵۵)

امید زیستنم، دیدن دوباره تست	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعْلن	(فَعْلن)
قراربخش دلم، تاب گاهواره تست	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعْلن	(فَعْلن)

(همان: ۴۲۰)

تو هر غروب نظر می‌کنی به خانه من	مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعْلن	(فَع لن)
----------------------------------	---------	-----------	---------	--------	----------

قراریخش دلم، تاب گاهواره تست
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلن (فع لان)
(همان: ۴۲۲)

چه شد که ماه مراد از کرانه‌ای نرسید
شبی رسید و حریف شبانه‌ای نرسید
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلاطن
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلاطن
(همان: ۵۴۲)

چرا ز کوزه ماه امشب
نمی‌برون تراویدست؟
مفاعلهن فعلاطن فع
مفاعلهن فعلاطن فع
(همان: ۲۴۱)

زمین به ناخن باران‌ها
تن پر آبله می‌خارید
مفاعلهن فعلاطن فع
مفاعلهن فعلاطن فع
(همان: ۲۵۲)

کسی ز پنجره بیرون پرید،
کسی ز خانه به دنبال او شنافت،
کسی ز کوچه بر او بانگ زد: - "بایست! بایست!"
دونده رفت،
دونده تیزتر- از باد - رفت
مفاعلهن فعلاطن فعول
مفاعلهن فعلاطن مفاعلات
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلاطن
مفاعلهن فعلاطن فعول

(همان: ۵۳۶-۵۳۷)

چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟
زمان هماره همان و زمین همیشه همین؟
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلن
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلن
(دستور زبان عشق: ۱۳۹۰، ۵۳)

دلم خوش است به گل‌های باغ قالی‌ها
که چشم باران دارم ز خشکسالی‌ها
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فع لن
مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فع لن
(دستور زبان عشق: ۶۱)

مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	بیا مرا بیا عشق با خودت به سفر
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مرا ز خویش بگیر و مرا ز خویش ببر
(گلها همه آفتابگردانند: ۱۰۰)						
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
(آینه‌های ناگهان: ۸۷)						
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	گرفته‌تر ز خزان دلم خزانی نیست
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	ستاره بارتر از چشمم آسمانی نیست
(همان: ۱۴۳)						
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	شب عبور شما را شهاب لازم نیست
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	که با حضور شما آفتاب لازم نیست
(تنفس صبح: ۳۷)						
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	بیا به خانه آلاها سری بزنیم
مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	مفاعله	ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم
(همان: ۶۹)						

بحر مضارع

بحر مضارع از تکرار دو پایه عروضی «مفاعیلن» و «فاعلاتن» به دست می‌آید اما وزن سالم آن در فارسی کاربرد ندارد. این بحر بیشتر برای بیان غم و اندوه به کار برده می‌شود و از آنجایی که اشعار قیصر و نادرپور بیان غم و اندوه است این بحر بسامد زیادی از شعرشان را در بر گرفته است این بحر در اشعار نادرپور با ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد را داشته و در اشعار قیصر با ۱۸/۸۱ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از این بحر در اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

سوت ترن به گوش رسد نیمه‌های شب مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	آهسته از کرانه دریای بیکران
(مجموعه اشعار نادرپور: ۵۵)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	در آسمان آبی این چشم ناشناس
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	چون آسمان خاطره من ستاره‌ایست
(همان: ۱۰۸)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	زانجا که بوسه‌های تو آن شب شکفت و ریخت
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	امروز، شاخه‌های کهن سر کشیده‌اند
(همان: ۱۲۰)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	شب در رسید و، وحشت آن چشم بی‌نگاه
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	چون لحظه‌های مرگ تنم را فراگرفت
(همان: ۱۲۳)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	شب‌ها در آبگینه مرداب‌های سبز
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	آنجا که نیزه‌های جگن رفته تا به ماه
(همان: ۱۳۲)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	گر آخرین فریب تو، ای زندگی نبود
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	اینک هزار بار، رها کرده بودمت
(همان: ۱۷۳)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	ای شعر! ای طلسم سیاهی که سرنوشت
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	عمر مرا به رشته جادویی تو بست
(همان: ۲۰۷)				
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	ای شعر! ای طلسم سیاهی که سرنوشت
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول	ابلیس، ای کشنده پنهانی خدا
(همان: ۲۹۳)				

بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور ❑ ۸۳

شب‌ها به کنج خلوت من می‌گفت مفعول فاعلات مفاعیلن
 افسانه‌های روز جدایی را مفعول فاعلات مفاعیلن
 (همان: ۱۰۲)

زین محبسی که زندگی‌اش خوانند مفعول فاعلات مفاعیلن
 هرگز مرا توان رهایی نیست مفعول فاعلات مفاعیلن
 (همان: ۱۱۶)

کوبیده برف زیر لگدهایش مفعول فاعلات مفاعیلن
 بوی بنفشه‌های بهاران را مفعول فاعلات مفاعیلن
 (همان: ۲۸۷)

شب باد پر شکسته مفعول فاعلاتن
 می‌رفت و ناله می‌کرد مفعول فاعلاتن
 (همان: ۸۱)

در گریه‌های سرخ شفق بر غروب زرد: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات
 در کوهپایه‌ها: مفعول فاعلن
 در زیر لاجورد غم‌انگیز آسمان: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 (همان: ۱۲۶)

با تیشه خیال تراشیده‌ام تو را مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 در هر بتی که ساخته‌ام دیده‌ام تو را مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 (دستور زبان عشق: ۴۵)

ای از بهشت باز دری پیش چشم تو مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 افسانه‌ای است حور و پری پیش چشم تو مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 (همان: ۴۸)

ای عشق ای ترنم نامت ترانه‌ها مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	معشوق آشنای همه عاشقانه‌ها
(همان : ۵۱)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	از تو شکفت نرگس چشم انتظاری‌ام
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	گل کرد خار خار شب بی‌قراری‌ام
(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۸۲)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	دل‌تنگ غنچه‌ایم بگو راه باغ کو؟
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	خاموش مانده‌ایم خدا را چراغ کو؟
(همان : ۸۶)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	گفتی غزل بگو! چه بگویم؟ مجال کو
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	شیرین من برای غزل شور و حال کو؟
(همان : ۱۰۷)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	آواز عاشقانه ما در گلو شکست
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	حق با سکوت بود صدا در گلو شکست
(آینه‌های ناگهان: ۷۷)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	ما را به حال خود بگذاید و بگذرید
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید
(همان : ۱۰۲)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	در انتهای کوچه شب زیر پنجره
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	قومی نشسته خیره به تصویر پنجره
(همان : ۱۴۵)				
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	باران گرفت نیزه و قصد مصاف کرد
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن	قومی نشسته خیره به تصویر پنجره
(تنفس صبح: ۳۹)				

هر جا که سر زدم همه در مرز بودن است مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 کو مرز تازه‌ای که فراتر ز بودن است مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
 (همان : ۴۷)

از رفتنت دهان همه باز... مفعول فاعلات فعلن
 انگار گفته بودند مفعول فاعلاتن
 پرواز! فع لن
 پرواز! فع لن

(مجموعه اشعار امین‌پور: ۲۸)

با گریه‌های یکریز مفعول فاعلاتن
 یکریز فع لن
 مثل ثانیه‌های گریز فاعلاتن مفاعل فع
 با روزهای ریخته مفعول فاعلات فع
 در پای باد مستفعلان
 با هفته‌های رفته مفعول فاعلاتن
 با فصل‌های سوخته مفعول فاعلاتن
 با سال‌های سخت مفعول فاعلات
 رفتیم و مفعول
 سوختیم و فاعلاتن
 فرو ریختیم مفاعیل فاع
 با اعتماد خاطره‌ای در یاد مفعول فاعلات مفاعیلن
 اما فع لن
 آن اتفاق ساده نیفتاد مفعول فاعلات مفاعیل

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۷۴)

بحر مقتضب

بحر مقتضب از اصل «مفعولات مستفعلن مفعولات مستفعلن» به صورت مزاحف مطوی «فاعلات مفتعلن فاعلات مفتعلن» ساخته می‌شود. این بحر در اشعار نادرپور با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد را داشته و در اشعار قیصر با ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از این بحر به شرح زیر است:

ای شب ای شب برفی، ای شب زمستانی!	فاعلات	مفعولن	فاعلات	مفعولن
گریه در گلو دارم، چون هوای بارانی	فاعلات	مفعولن	فاعلات	مفعولن

(مجموعه اشعار نادرپور: ۷۱۹)

ای خوشا خروشدن، جاودانه جوشیدن	فاعلات	مفعولن	فاعلات	مفعولن
هم‌چو رود نا آرام، زین کرانه کوچیدن	فاعلات	مفعولن	فاعلات	مفعولن

(مجموعه کامل اشعار امین‌پور: ۴۰۵)

بحر منسرح

بحر منسرح از اصل «مستفعلن مفعولات مستفعلن مفعولات» به صورت مزاحف مطوی مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات ساخته می‌شود. این بحر در اشعار نادرپور ۳/۷۳ درصد از اشعار وی را در بر گرفته و در اشعار قیصر ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر در این بحر توجه کنید:

ساعتی از نیمه شب گذشت و «سیاهی»	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع
چهره بر آن میله‌های پنجره مالید	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع

(مجموعه اشعار نادرپور: ۷۶)

نیمه شبانست و باد سردی از آن دور	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع
سر کند افسانه‌های دیو و پری را	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع

(همان: ۸۸)

بوته خشکیده‌ام ز بوسه خورشید
مفتعلن فاعلات مفتعلن
غنچه مرگم که عطر زندگیم نیست
مفتعلن فاعلات مفتعلن
(همان: ۲۱۵)

عاقبت از سرزمین گمشده خویش
مفتعلن فاعلات مفتعلن
آمدی ای کوله بار شوق تو بر دوش
مفتعلن فاعلات مفتعلن
(همان: ۲۸۱)

فانوس، آرام زیر پنجره می‌سوخت
مفتعلن فاعلات مفتعلن
آمدی ای کوله بار شوق تو بر دوش
مفتعلن فاعلات مفتعلن
(همان: ۵۱۸)

در جگرم، چون دهان ماهی، زخمی است
مفتعلن فاعلات مفتعلن
زخم شگفتی که کس نیافته نامش
مفتعلن فاعلات مفتعلن
(همان: ۶۸۹)

روز شکار است: مفتعلن فع

می‌روم امروز، سوی دامنه کوه مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

می‌روم آنجا که - زیر خنده خورشید مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

(همان: ۵۱۶)

این بحر نیز از جمله بحرهای امین‌پور است که با ۰/۷۳ درصد کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

حنجره‌ها روزه سکوت گرفتند مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

پنجره‌ها تار عنکبوت گرفتند مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

(مجموعه اشعار امین‌پور: ۲۹۵)

بحر هزج

بحری است که از تکرار سه یا چهار بار «مفاعیلن» به دست می‌آید. اشعاری که در بحر

هزج سروده شده است، دارای وزنی ضربی، تند و در برگیرنده احساس شوقی است که با مضمون و اندیشه آن سازگار است. این بحر در اشعار نادرپور ۹/۰۳ درصد را در برگرفته و در اشعار قیصر با ۲۵/۸۳ درصد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	به روی شاخساران، میوه گنجشک‌ها روید
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	شفق در آب باران ریخت خون روشنایی را

(مجموعه اشعار نادرپور: ۳۷۳)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	دلت آن روز از من ناگهان رنجید
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	نشان رنجش از چشمت هویدا بود

(همان: ۲۴۴)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	هنوز آن روز، برق خنده خورشید
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	به بام خانه‌های دور، پیدا بود

(همان: ۲۴۶)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	چراغ خرمنی از دور پیداست
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	شب مهتاب، در آن سوی جاده

(همان: ۶۴)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	شیخ، کم‌کم، قدم آهسته‌تر کرد
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	نگاهش لای تاریکی درخشید

(همان: ۷۱)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	تو، ای چشم سیه! با شعله خویش
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	شبانگهان، دلم را روشنی‌بخش

(همان: ۱۱۲)

مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	چو بازآید شبانگهان آبی
---------	---------	---------	---------	------------------------

من و این بام سبز آسمان‌ها	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
(همان: ۱۲۹)			
شب بیماری‌ام تا صبح پایید	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
سحرگاهم ربود از دست، خوابی	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
(همان: ۱۵۶)			
رتھی کن جام را ای ساقی مست	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
که امشب میل جام دیگرم نیست	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
(همان: ۱۹۷)			
از آغاز آنچه کردم، بی‌ثمر بود	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
همه سودم درین سودا ضرر بود	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن
(همان: ۴۳۴)			
با ماهی سرخ رنگ لب‌هایش	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
در آب پریده رنگ سیمایش	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
(همان: ۲۹۷)			
آن کو دل ما به اشک و خون آغشت	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
از خاک مزار ما بسازد خشت	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
(همان: ۵۴۰)			
آن زلزله‌ای که خانه را لرزاند	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
یک شب، همه چیز را دگرگون کرد	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن
(همان: ۸۱۷)			
اذان آواز را برچید	مفاعیلن مفاعیلان		
قباپوش پریشان حال را دیدم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن		
که از خواندن دهان بر بست و من، مست سرود او	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن		

لبانم را به اشک و خنده آلودم، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 زمانی پا به پایش راه پیمودم، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 سپس، در گوش او با شیطنت گفتم: - نمی‌دانی! مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 (همان: ۷۴۰)

بفرمایید فروردین شود اسفندهای ما مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نه بر لب، بلکه در دل گل کند لبخندهای ما مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(دستور زبان عشق: ۴۰)

شبی دارم چراغانی، شبی تابیدنی امشب مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 دلی نیلوفری دارم، پری بالیدنی امشب مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۶)

بحر سریع

این بحر از اصل مستفعلن مستفعلن مفعولات به صورت مزاحف مطوی مفتعلن مفتعلن فاعلات ساخته می‌شود.

نادرپور در اشعار خود از این بحر استفاده نکرده است ولی قیصر ۱/۱۰ درصد از اشعارش را به این بحر اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر توجه کنید:

پیش بیا پیش بیا پیش‌تر مفتعلن مفتعلن فاعلن
 تا که بگویم غم دل بیش‌تر مفتعلن مفتعلن فاعلن

(مجموعه اشعار امین‌پور: ۴۲)

مفاعیلن فعل	گذشتن از چهل
مفاعیلن فعل	رسیدن و کمال
مفاعیلن مفاعیلن فعل	چه فکر کال کودکانه‌ای
مفاعیلن فعل	زهی خیال خام

تمام فعل

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۵۷)

بحر مدید

بحری است که از تکرار فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن به دست می‌آید. این بحر در اشعار نادرپور به کار گرفته نشده اما قیصر با ۰/۳۶ درصد کمترین بسامد اشعارش را به این بحر اختصاص داده است. به نمونه‌ای از این بحر در اشعار قیصر توجه کنید:

این منم در آینه، یا تویی برابرم؟ فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
تا که بگویم غم دل بیش‌تر فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

(مجموعه کامل اشعار امین‌پور: ۳۷)

از هزار آینه تو به تو گذشته‌ام فاعلات فاعلن فاعلاتن فاعلن
می‌روم که خویش را با خودم بیاورم فاعلات فاعلن فاعلاتن فاعلن

(همان: ۳۷)

بحر بسیط

نادرپور از این بحر در اشعار خود بهره نبرده است اما در اشعار قیصر این بحر ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌ای از این بحر در اشعار قیصر به شرح زیر است:

دل داده‌ام بر باد بر هر چه بادا باد مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن
مجنون‌تر از لیلی شیرین‌تر از فرهاد مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن

(همان: ۲۱۲)

هر قصر بی‌شیرین، چون بیستون ویران مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن
هر کوه بی‌فرهاد، گاهی به دست باد مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن

(همان: ۲۱۲)

از خاک ما در باد، بوی تو می‌آید مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن
تنها تو می‌مانی، ما می‌رویم از یاد مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن

(همان: ۲۱۲)

بحر خفیف

این بحر از اصل فاعلاتن مستفعّلن فاعلاتن به صورت مزاحف مخیون فاعلاتن مفاعّلن فاعلاتن ساخته می‌شود. نادرپور از این بحر در اشعار خود استفاده نکرده است ولی قیصر ۱/۱۰ درصد از اشعارش را این بحر در بر گرفته است. نمونه‌ای از این اشعار به شرح زیر است:

تو به فکر منی همیشه و من	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن
تا به تو فکر می‌کنم، هستم	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۳۱)

گاه پیدا و گاه پنهانند	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن
بازی آفتاب و بارانند	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن

(تنفس صبح: ۶۳)

به سر موی دوست دل بستم	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن
رفت عمر و هنوز پای بستم	فاعلاتن	مفاعّلن	فع	لن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۳۱)

نتیجه

قیصر امین‌پور و نادرپور در کنار خصلت‌های دو سویه شعر خود، از قدرت موسیقی در تعالی شعر خود غافل نمانده‌اند. وزن از ارکان اصلی شعری نادرپور و امین‌پور هست و هردو به آن پای‌بند بوده‌اند، تا جایی که حتی اشعار نیمایی آن دو از وزن و هارمونی کامل برخوردار است. دو شاعر مورد بررسی در اشعار خود از اوزان خوش‌آهنگ فارسی استفاده کرده‌اند. تسلط آنها بر عروض فارسی کاملاً پیداست و چیدمان درست قافیه و انتخاب قوافی مناسب از جمله ویژگی‌های شعری آنهاست.

از لحاظ موسیقی بیرونی، اشعار هر دو شاعر بسیار پربار است و اکثر وزن‌هایی که آنها بهره گرفته‌اند، وزن‌هایی است که بزرگان ادب فارسی از جمله حافظ، به کار برده‌اند و این مبین علاقه و آشنایی با آثار بزرگان ادب فارسی و مسلط بودنش بر عروض سنتی است.

نادرپور در مجموع اشعارش از ۹ بحر و قیصر از ۱۳ بحر بهره برده‌اند؛ بحرهای رجز، رمل، متدارک، متقارب، مجتث، مضارع، مقتضب، منسرح و هزج از جمله بحرهای مشترک میان هر دو شاعر است و قیصر در مجموع از ۱۳ بحر در اشعار خود استفاده کرده است و بحرهای بسیط، خفیف، سریع، مدید از جمله بحرهایی است که قیصر امین‌پور به کار گرفته و در مجموعه اشعار نادرپور یافت نشده است.

در اشعار نادرپور بحر مضارع با ۱۵۹ شعر معادل ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد بحرها و بحر مقتضب با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد و در کل اشعار قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر هزج (۱۳) با ۲۵/۸۳ درصد و بحر مدید (۹) با ۳۶٪ درصد کمترین بسامد را در بر می‌گیرد.

در کل اوزان هر دو شاعر، بسامد وزن‌های خیزایی نسبت به وزن‌های جویباری کم‌تر است و این به دلیل درون مایه اشعار آنهاست.

منابع و مأخذ

- ۱- امین‌پور، قیصر. دستور زبان عشق. انتشارات مروارید، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰.
- ۲- _____، _____، تنفس صبح. تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
- ۳- _____، _____، مجموعه کامل اشعار. تهران: انتشارات مروارید، چاپ هشتم، ۱۳۹۰.
- ۴- _____، _____، آیینه‌های ناگهان. انتشارات افق، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
- ۵- _____، _____، گل‌ها همه آفتابگردانند. تهران: انتشارات مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- ۶- محبتی، مهدی. بدیع نو: هنر ساخت و آرایش سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۷- میرصادقی، میمنت (ذوالقدر). واژه‌نامه هنر شاعری. چ دوم همراه با افزوده‌ها، نشر کتاب مهناز، ۱۳۷۶.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۹- نادر. مجموعه اشعار. تهران: انتشارات نگاه، چ دوم، (ب) ۱۳۸۲.